

فرمود او در رکاب من نجنگد!



حسین ارباب‌مینی، فعال فرهنگی

یکی از زیبایی‌های دین ماچندبعدی و جامع‌الاطراف بودن آن است، آنجا که همچنان به‌جانب ارتباط انسان با خدا توجه داردوبر عبادت، دعاونماز تأکیدمی‌کند، برای اصلاح رابطه‌فردبا دیگران و جامعه‌نیز دستوراتی دارد که بزرگ‌ترین معجزه پیامبرگرامی اسلام اخلاق اوست برای تعلیم انسان‌ها در همین جنبه است. این روزها در ایام عزاداری سالار شهیدان قرار داریم، همان حسینی که طبق زیارتنامه‌های خود معصومین برای زنده کردن دفينه عقول مردم، زودون غبار غفلت از عقل‌ها و وجدان‌ها جان خود را فدا کرد و عاشورای اوتابلویبی است که هر بیننده را به سمت اصلاح زندگی خود رهنمون می‌کند. از جمله مهم‌ترین درس‌های امام حسین^(ع) در روز عاشورا، مسئله رعایت حقوق مردم و حق الناس است تا جایی که در روز عاشورا و در اوج قلت یاران و یحیو حه جنگ، اجازه نمی‌دهد کسانی که دینی به گردن دارند او را همراهی کنند!

موسی بن عمیر از پیدرش نقل می‌کند که امام حسین^(ع) در روز عاشورا به من فرمود:

«نَادَانُ لِإِثْمَلٍ مَعِيَ رَجُلٌ عَلَيْهِ دَيْئٌ وَنَادِيهَا فِی الْمَوَالِیِ فَأُتِیَ سَمِغٌ وَشَوَّلَ اللَّهُ صُلَى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلَهُ يَشْوُلُ، مَعْنِ مَاتَ وَغَلِيهِ دَيْئٌ أَخَذَ مِنْ خَسَنَاتِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ،

میان همه یارانم اعلام کن هر کس دُئین و حق الناسی بر عهده دارد با من کشته نشود، زیرا که من از رسول خدا^(ص) شنیدم که فرمود: «هر کس از دنیا برود دُئینی بر دُمّه داشته باشد، از حسنات وی در فردای قیامت برداشته می‌شود،

در نقل دیگری آمده است که عمیر انصاری گفت: امام^(ع) به من فرمود:

«نَادِیَ النَّاسِ أَنْ لَا يُقَاتِلُنَّ مَعِيَ رَجُلٌ عَلَيْهِ دَيْئٌ، فَإِنَّهُ لَيْسَ مِنْ رَجُلٍ يُمُوتُ وَغَلِيهِ دَيْئٌ لَا يَدْخُلُ لَهُ وَفَاءٌ إِلَّا دَخَلَ النَّارَ»

میان مردم و یاران اعلام کن هر کس بدهکار است در رکاب من پیکار نکند، زیرا هر کس از دنیا برود در حالی که دینی بر عهده اش باشد که چاره‌ای برای آن نکرده باشد گرفتار دوزخ می‌شود.

مردی بر خاست و گفت: همسرم پذیرفت که از طرف من بپردازد. امام^(ع) پاسخ داد:

«وَمَا كِفَالَةُ امْرَأَةٍ، وَهَلْ تُقْضَى اِمْرَأَةٌ»

کفالت و به عهده گرفتن آن زن چه فایده‌ای دارد؟ آیا او قدرت دارد چنین کند و از طرف تو ادا نماید؟ احقاقی الحق، ج ۱۹، ص ۴۲۹.

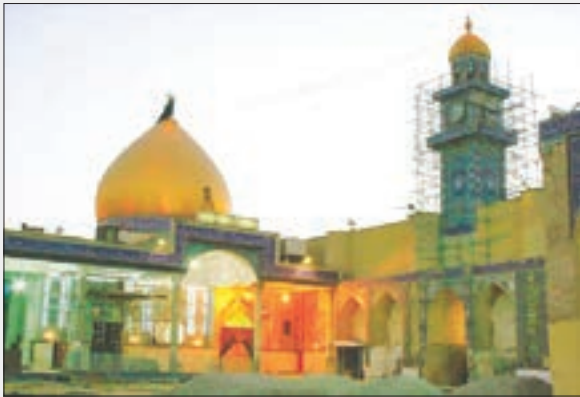
در احادیث اهل بیت^(ع) وارد شده است که با ریختن اولین قطره از خون شهید همه گناهان او آمرزیده می‌شود!
الادین و حق الناسی که به گردن اوست و در حدیث دیگری از پیامبر آمده است: «وَصَاحِبُهُمْ مُحْتَبَسٌ عَلَى بَابِ الْجَنَّةِ يَثْلُثُهُ ذُرَاهِمُ لِفَلَانِ الْيَهُودِيِّ، وَكَانَ شَهِيدًا!

یکی از افراد فلان قبیله که شهید شده به خاطر سه درهم که به فلان یهودی بدهکار بوده بر دُرِ بهشت زندانی شده و به‌وی اجازه ورود نمی‌دهند! احتجاج طبرسی، ج ۱، ص ۳۳۲.

یعنی حتی شهادت و جان دادن در راه خدا باعث نمی‌شود که خداوند تضییع حقوق مردم را فراموش کند و از آن بگذرد و اشک ریختن بر اباعبدا...الحسین هم که در روایات آمده حتی گناهان کبیره انسان را پاک می‌کند شامل آمرزش دست درازی به حقوق مردم نیست، بلکه شرکت در این مجالس باید ما را به پیروی از این درس بزرگ روز عاشورای امام حسین^(ع) دعوت کند و در رعایت و ادا کردن حقوق دیگران به ما انگیزه و اراده بدهد. حتی در هنگام همین عزاداری‌ها باید مواظب باشیم که حق دیگران را رعایت کنیم و خدای نکرده راه دیگران را سد نکنیم یا اینکه بخواهد این عمل مستحبی ما موجب گناه آزار رساندن به دیگران باشد.

فکر کردن به مسئله حق الناس و اهمیت آن در اسلام، انسان را از اعمالش می‌ترساند و باید پناه بر خدا و امام حسین^(ع) بگیریم که ما را بر ادای حق دیگران مادامی که در این زندگی فرصت داریم یاری کنند.

مرقد مسلم بن عقیل



درست است که برخی از یاران امام حسین^(ع) در ماه محرم سال ۶۱ هجری نتوانستند در کربلا کنارش باشند، اما ایشان یارانی داشت که پیش از او و دور از سیدالشهدا در راه ایشان جان خود را از دست داده و ما امروز آن‌ها را در زمرة یاران امام حسین^(ع) می‌شناسیم، می‌توان گفت معروف‌ترین این شهدا مسلم بن عقیل، سفیر امام حسین^(ع)، است که در روز عرقه سال ۶۰ هجری در کوفه به شهادت رسید. به همین دلیل مرقد این شهید بزرگوار نه در کربلا که در کوفه قرار دارد. مرقد مسلم بن عقیل، بیرون ضلع شرقی مسجد کوفه قرار دارد. در حال حاضر بارگاه و صحن مخصوصی برای آن بنا شده و به مسجد کوفه متصل شده است. ورود به آن نیز از طریق صحن و شبستان مسجد، امکان پذیر است. در گذشته، روی قبر شریف مسلم، یک ضریح چوبی مشبک وجود داشت که بر آن اشعاری در مدح حضرت مسلم نقش بسته بود. تاریخ آن نیز سال ۱۰۵۵ ه‍. ق (دوره صفوی) بود. ضریح رایک بانوی ایرانی، به نام «سام آقاخان» هدیه کرده بود. پس از مدتی، این ضریح چوبی، با یک ضریح نقره‌ای، تعویض شد.

بارگاه مسلم بن عقیل، بر اساس کتیبه‌ای که پیش تر بر ورودی آنجا قرار داشت در سال‌های ۱۲۳۲ و ۱۲۳۳ ه‍. ق، به اهتمام یکی از دولت‌مردان شیعه هندی، به نام نواب حافظ محمد عبدالحسین خان، بازسازی شد. گنبد بنا تا حدود نیم قرن گذشته، کاشی کاری بود. سال ۱۳۸۴ ه‍. ق تعدادی از مؤمنان نزد آیت ا... سید محسن حکیم آمدند و از ایشان برای طلاکاری گنبد حرم حضرت مسلم، اجازه گرفتند. آن‌ها پس از کسب اجازه، از سال ۱۳۸۵ ه‍. ق، ۱۹۶۵ م، شروع به توسعه و بازسازی حرم و همچنین گنبد کردند. همچنین به دستور سید محسن حکیم، ضریح طلا و نقره کوب جدیدی برای حرم حضرت مسلم در اصفهان ساخته و روی قبر شریف، نصب شد. کار طلاکاری گنبد نیز از تاریخ ۲۸ ربیع الاول ۱۳۸۷ ه‍. ق، آغاز شد و یکی از تاجران شیعه، به نام حاج محمدحسین رفیعی بهمبانی کویتی، هزینه کامل آن را پرداخت و سید موسی بحر العلوم در ماده تاریخ آن، قصیده‌ای را سرود که گرداگرد ساقه گنبد بنا، ثبت شد.

منبع: حرزالدین، شیخ محمد، مرآة المعارف، ج ۲، ص ۳۱۴ تا ۳۱۷.

و شکیبایی کن که خداوند پاداش نیکوکاران را ضایع نخواهد کرد.

سوره هود، آیه ۱۱۵
ترجمه آیت ا... مکارم شیرازی

آیه

حدیث

تنها کسی به نعمت‌های آخرت می‌رسد که در مقابل گرفتاری‌های دنیا صبر و شکیبایی داشته باشد.

امام علی^(ع)
غرر الحکم، ج ۶، حدیث ۱۰۷۵۲

همه آیین‌های محرم شهر آفتاب

جستاری درباره آیین‌های کهن شهر مشهد در ماه محرم

گلناز حکمت

گزارش

اصلش برمی‌گردد به عزت دادن واحترام‌گذاشتن، هر رخداد و ماجرای که عزت واحترام پیدا کند، در همه باورها و سنت‌ها ریشه می‌کند. محرم از آن اتفاق‌هایی است که وارد پوست و گوشتمان شده و با همه رسم و رسوم‌مان درآمیخته است.

بچه شیعه با شی و ماه محرم برایت فرقی با ماه‌های دیگر نداشته باشد؟ اصلا مگر می‌شود؟ برای ما دل‌درگرو خاندان کرم‌داده‌ها، عزّا از همان روز اول محرم شروع می‌شود، از همان روز که سیاه می‌پوشیم و سیاهی به در و دیوار می‌زنیم و دلمان نوای محرم می‌خواهد. حادثه بزرگ است، عظمت‌الرزیه است، پس با همه آنچه در چننه داریم به استقبالش می‌رویم. این است که آیین می‌سازیم، آداب رعایت می‌کنیم، ماه غم‌رسیده است، حالا هر چه هست، متعلق است به مولا، به امامی که خودش و فرزندان و خانواده اش برای خدا و برای آزادگی جنگیدند و شهادت نصیبشان شد.

- مشهد شهری به سوی رضاء(ع)**

مشهد چراغ روشنی دارد که همه چیز به آن ختم می‌شود، به سمت وسویی که نورانی و در همه ۱۲۰۰ سال گذشته محل دل‌بستگی مردم بوده است. ماه محرم که می‌رسد، ماه غم‌واندوه جد بزرگوار امام رضا^(ع) از سیاهی صحن و سراى حضرتی معلوم است که شهر در ماتم و اندوه است. هیئت‌ها و دسته‌ها راه می‌افتند و همه به یک سو حرکت می‌کنند، همه به سمت وسوی حضرت رضا^(ع) می‌روند. از قدیم که مشهد ۶ محله بوده و محله‌ها همه منتهی به حرم مطهر می‌شده‌اند تا امروز که طول و عرضش را با یکایلم‌وهرامی‌سنجند، شروع محرم و مراسم عزاداری‌ها همواره با محوریت بارگاه خورشید بوده است. اگر بخوایم به سراغ آداب و رسوم عزاداری برویم نمی‌توانیم سری به حرم امام رضا^(ع) نزنیم.

- اجازه عزّا از شاه خراسان**

هیئت‌های بزرگ و معروف مشهد از قدیم، جمعه آخر ماه ذی‌الحجه شروع می‌کردند به سیاهی پوشاندن به حسینیه‌ها و مسجد‌های شان، اما برای همه مشهدی‌ها از همان زمان، محرم با سیاه شدن پرچم گنبد امام رضا^(ع) شروع می‌شده است. هر سال آیینی به نام «اذن عزّا» در شب آخر ماه ذی‌الحجه برگزار می‌شود و پرچم سبز گنبد حرم مطهر با پرچم سیاه جایگزین می‌شود. در این مراسم خدامان حرم رضوی «باز این چه شورش است که در خلق عالم است/باز این چه نوحه و چه عزّا و چه ماتم است» می‌خوانند و اثران را خبر از شروع عزّامی دهند.

- چاووشی خوانی**

در خراسان قدیم، نوعی از چاووشی خوانی مذهبی وجود داشته است که به نوعی ارتباط استعارى با مفهوم حرکت کاروان امام حسین^(ع) به کربلا دارد و به مناسبت سالروز ورود اهل بیت^(ع) امام حسین^(ع) به کربلا، چاووشی خوانی می‌کنند و از نزدیک شدن ایام سوگواری محرم و رسم علم‌بندان خبر می‌دهند و در حین بستن علم اسپند دود می‌کنند و چاووش خوان که حتما پیشکسوت چاووشی خوانی است ابیاتی را می‌خواند و مردم هم در پایان هر یک از ابیات چاووشی صلوات می‌فرستند.

یکی از نمونه‌های چاووشی خوانی در ماه محرم این ابیاتی است که می‌خوانید:

شما اهل وطن عشرت سر آمد

در این شهر از وفادیر نمائید
که خاک غم شما را بر سر آمد

- بازار روی در روز تاسوعا و عاشورا**

زمانی همه مسیرها در مشهد به حرم مطهر می‌رسید، پس باید از بازارهای گذشته تا نوحه خوانی و عزاداری را به حرم مطهر امام رضا^(ع) برسانند. برای همین آیینی در مشهد قدیم شکل گرفت به اسم «بازار روی».

در «بازار روی» همه دسته‌ها در یک نقطه که بازار بود، جمع می‌شدند و بعد هر دسته با علم خود که نشان هیئت است، برای عرض سلام به ساحت مقدس حضرت رضا^(ع) وارد حرم می‌شد. علم‌های

ماحصل سخنرانی‌های استاد محمدرضا عابدینی به مناسبت اربعین حسینی، کتاب قدم عاشقی است که در ۳ فصل نوشته شده است.فصل اول (اربعین و ظهور حق در طول تاریخ) دارای نگاه تاریخی و تمدنی به جریان نبرد حق و باطل و نقش انبیای الهی در تاریخ انسانی و تبیین جایگاه حماسه عاشورا و توجه انبیا و اولیای الهی به آن، به عنوان گلوگاه تاریخ در این سیر و نسبت یابی اربعین به عنوان فعلیت و امتداد ظرفیت‌های عاشورا برای مقدمه‌سازی ظهور است.فصل دوم با نگاهی عینی و مصداقی و باتدبیر و تجربه‌اندیشی در

کوچک جلوتر و علم‌های بزرگ بعد از آن‌ها وارد می‌شدند. این آیین هم علاوه بر تاسوعا و عاشورا در دهه آخر صفر یعنی شهادت حضرت رضا^(ع) انجام می‌شد.

- کرسی خوانی در حرم**

کرسی خوانی یکی از آیین‌هایی بود که با ورود هیئت‌ها به حرم مطهر برگزار می‌شد. به این شکل که یک صندلی یا چهار پایه را به عنوان کرسی می‌گذاشتند و یک نوحه‌خوان بالای آن می‌ایستاد و شروع می‌کرد به خواندن نوحه و به اصطلاح دم می‌گرفت و بقیه دور او جمع می‌شدند و هم خوانی می‌کردند.

- سقای میان هیئت**

سقای میان هیئت عزّا هم از همان دسته رسم و رسومات قدیمی مشهد است. هر سال با شروع محرم عده‌ای با پوشیدن لباس سقای و با در دست داشتن مشک جلوی دسته‌ها و هیئت‌ها راه می‌افتادند و نوای را می‌خواند: «گوش کن ای شیعه، این آبی که در دست من است انوش کن ای شیعه، سقای حسین^(ع) اسلم من است»، و با این روش خبر محرم و عزای حسینی را به گوش مردم شهر می‌رساندند.

خطبه خوانی شب عاشورا در بارگاه حضرت رضا(ع)
مراسم خطبه خوانی در صحن انقلاب (عتیق) حرم مطهر ثامن الحجج^(ع) هر سال دوبار برگزار می‌شود، یک بار شب شهادت سالار شهیدان و یک بار هم در شب شهادت علی بن موسی الرضا^(ع). همچنین مراسم شام غریبان هم در شب بعد از



پاسخ مراه‌م‌دی، او را برید و گردن‌زنید. امام سجاد^(ع) فرمود: مرا از کشتن می‌ترسانی؟ مگر نمی‌دانی که کشته شدن، خوی ما و شهادت، مایه سر بلندی و کرامت ماست.

حضرت زینب^(ص) وقتی موقعیت امام سجاد^(ع) را در معرض خطر دید، خطاب به ابن زیاد گفت: ای پسر زیاد! این همه خون از ما ریختی، آیا پس نیست؟ سوگند به خدا، از او جدا نخواهم شد، تا مرا هم با او بکشی.

ابن زیاد با شنیدن سخنان جدی حضرت زینب^(ص) از کشتن امام^(ع) صرف نظر کرد و دستور داد آنان را به زندان افکندند. (شیخ مفید، ص ۱۱۶-۱۱۷، ابن طاووس، ص ۹۴-۹۵).

پاسخ مراه‌م‌دی، او را برید و گردن‌زنید. امام سجاد^(ع) فرمود: مرا از کشتن می‌ترسانی؟ مگر نمی‌دانی که کشته شدن، خوی ما و شهادت، مایه سر بلندی و کرامت ماست.

حضرت زینب^(ص) وقتی موقعیت امام سجاد^(ع) را در معرض خطر دید، خطاب به ابن زیاد گفت: ای پسر زیاد! این همه خون از ما ریختی، آیا پس نیست؟ سوگند به خدا، از او جدا نخواهم شد، تا مرا هم با او بکشی.

ابن زیاد با شنیدن سخنان جدی حضرت زینب^(ص) از کشتن امام^(ع) صرف نظر کرد و دستور داد آنان را به زندان افکندند. (شیخ مفید، ص ۱۱۶-۱۱۷، ابن طاووس، ص ۹۴-۹۵).